



حکم توهین کنندگان به مقدسات در مذاهب خمسه و حقوق کیفری ایران

پدیدآورنده (ها): سلیمی کوچی، اسماعیل؛ کناری زاده، حمید رضا؛ بصیر، محمد باقر

حقوق :: نشریه اندیشمندان حقوق :: تابستان ۱۳۹۶ - شماره ۱۳

صفحات : از ۲۷ تا ۳۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1258847>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۲/۰۳/۰۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- بررسی و تحلیل فقهی و حقوقی قاعده «تدرء الحدود بالشبهات»
- پیش بینی گرایش به مصرف مواد بر اساس نشانه های نقص توجه / بیش فعالی در بزرگسالان
- فلسفی: شخصیت آثار و دیدگاه های الوین پلانتینگا
- بررسی تشکیک در مراتب و مظاهر از نگاه علامه طباطبایی
- جایگاه و مدت استقرار جنین در رحم از دیدگاه قرآن، حدیث، و علم جنین شناسی
- قیمومت و شخصیت زن
- گستره حجاب در قرآن
- اثربخشی معنویت درمانی بر سلامت روان زنان مطلقه
- تاثیر درمان شناختی رفتاری بر ادراک خود کودکان با اختلال کاستی توجه بیش فعالی
- بررسی تفاوت دیه زن و مرد در قانون مجازات اسلامی و مبانی فقهی آن
- معاونت در جرم
- حقیقت ادراک و مراحل آن در فلسفه ملا صدرا

عناوین مشابه

- مقدسات و توهین به آن در حقوق کیفری ایران
- حکم توهین کنندگان به مقدسات در مذاهب اهل تسنن
- نگاهی به گستره فقهی حقوقی تمکین و موارد موجه بودن عدم آن در حقوق ایران و فقه مذاهب خمس
- توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران
- جواز شرعی توهین، تهدید و افترا و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران
- اخلاق در حقوق کیفری: احترام به آزادی اشخاص و تحصیل دلیل در فقه امامیه و حقوق جزای ایران
- بررسی تطبیقی مرور زمان در فقه و حقوق کیفری ایران با رویکردی به نظرات امام خمینی(س)
- جرم انگاری در بستر مکاتب حقوق کیفری و نظریه های جرم شناسی، با نگاهی به حقوق کیفری ایران و آمریکا
- امکان سنجی استفاده از دفاع اضطرار توسط برنامه نویس خودروی خودران بر اساس مبانی حقوق کیفری ایران و رویه های مربوط به قتل ناشی از اضطرار در کامن لا
- بازرسی منازل، اماکن و اشیاء اشخاص در حقوق کیفری ایران با رویکرد به اسناد بین المللی

حکم توهین کنندگان به مقدسات در مذاهب خمسه و حقوق کیفری ایران

• اسماعیل سلیمی کوچی

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی

• حمیدرضا کناری زاده

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی

• محمدباقر بصیر

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

hr.konari.z@gmail.com

mb92.basir@gmail.com

چکیده

یکی از جرائمی که در فقه و حقوق موضوعه، همواره مطرح بوده و در سال‌های اخیر به لحاظ این که علاوه بر جنبه‌های حقوقی، ابعاد سیاسی نیز به خود گرفته و حتی پیرامون آن پرسش‌هایی از سوی افراد غیر متخصص نیز به دنبال داشته است، جرم توهین به مقدسات است. این عنوان مجرمانه، در صدر ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ اشاره گردیده، ولی هیچ تعریفی از آن ارائه نشده است. غالب فقهای اهل سنت و تمامی فقهای اهل شیعه، در آثار فقهی خود، در موضوع سب النبی که از مصادیق عمده اهانت به مقدسات است، به این بحث پرداخته‌اند، برخی در فصل حدود، و برخی نیز در پایان بحث قصاص. اهانت به مقدسات، از منظر فقها چه فقهای شیعی و چه فقهای اهل سنت، مفهوم آن دارای ابهام است و تنها راه ابهام‌زدایی از این عنوان مجرمانه، بررسی مبانی فقهی آن است، که این تحقیق در نظر دارد با کنکاش در منابع معتبر فقهی شیعه و اهل سنت، قدر جامع و احیاناً تفاوت‌ها و شباهت‌های مبنایی هر یک از این مذاهب را در خصوص این جرم، مورد شناسایی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. مجمل بودن مفهوم توهین و مقدسات و مصادیق آن و نیز نوع مجازاتی که برای آن در مذاهب پنج‌گانه تعیین گردیده، از جمله موارد ابهام موضوع است که به عنوان متغیرهای مربوط به مسئله قابل تصور است.

سوالات تحقیق: مصادیق توهین به مقدسات در فقه شیعه و سنت چیست؟ معیار و ملاکی که جرم توهین به مقدسات را تحقق می‌بخشد چیست؟

فرضیه‌های تحقیق: به نظر می‌رسد که برای توهین دانستن یک رفتار یا گفتار یا عمل، باید به عرف جامعه رجوع کرد. به نظر می‌رسد مقدسات مورد قبول فقهای مذاهب اربعه با مقدسات فقه امامیه اختلاف وجود دارد.

واژگان کلیدی:

مجازات، توهین به مقدسات، حقوق ایران، فقه اهل تسنن، فقه امامیه.

مقوله اهانت به مقدسات، از جرائمی است که بشر در طول تاریخ با آن روبرو بوده، و در هر زمان، مجازات‌ها و نحوه برخورد با آن، متفاوت بوده است، این موضوع عمری به قدمت زندگی بشر دارد؛ زیرا در هر زمانی، موضوعات، پدیده‌ها، اشیاء و مکان‌هایی بوده‌اند، که مورد احترام شدید افراد بوده‌اند و انسان‌ها به دلیل ارزش‌مندی مقدسات جان خود را بر سر دفاع یا در ازای اهانت به آن‌ها گذاشته‌اند.

اهانت به مقدسات اسلامی، یکی از جرایم پیش بینی شده در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قانون تعزیرات ۱۳۷۵ و قانون مطبوعات است، که اگر چه در بسیاری از موارد بر اساس قوانین موضوعه، اتخاذ تصمیم نسبت به این عنوان مجرمانه مقدور و میسر است، اما در موارد عدیده مسائلی مطرح و مواردی ظهور و بروز پیدا می‌کند، که بعضاً قوانین موضوعه نسبت به آنها ساکت هستند و لاجرم لازم است با عنایت به قوانین فقهی بدو حکم قضیه را استخراج، و سپس نسبت به آن مورد یا موارد خاص اتخاذ تصمیم نمود؛ چرا که در ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ و مستندات قانونی دیگر، این موارد به صورت کلی بیان شده و تصویر روشنی از آنها ارائه نشده است. نیز بایستی خاطر نشان کنیم، علی‌رغم گسترش این پدیده شوم در سطح جهانی و به بهانه‌های مختلف، هنوز خواستگاه فقهی این مسئله و احکام و مصادیق آن در مذاهب پنج‌گانه به نظر ما به صورت دقیق تبیین نشده است. قضات نیز، به دستور اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی تکلیف دارند، در مواردی که قانون موضوعه ساکت است، به منابع شرعی مراجعه کنند. از آن جا که به دست آوردن

مقررات مختلف این مسئله از منابع شرعی برای همه قضات امکان پذیر نیست، بنابراین، تحقیقی مبسوط در این زمینه ضروری است، تا راهنمای حقوق دانان و به خصوص قضات محترم باشد و نیز خواستگاه فقهی این جرم به طور دقیق، مبرهن و مشخص گردد.

۱- تعریف مفاهیم

۱-۱- مفهوم لغوی سبّ

سبّ در لغت به معنای فحش، ناسزا، بهتان و افتراء آمده است. دهخدا در لغت‌نامه‌ی خود، در ذیل کلمه سبّ می‌نویسد: سبّ، سبب اَع مص)، دشنام دادن، دشنام، سبّ، سبب، مرد بسیار دشنام دهنده، دهار. سبّ (س ب ب) سقط، سقم، شبه، شنطره، شواظ، طلاء، عار، علق، فحش، همه به یک معنی می‌باشند (دهخدا، ۱۳۷۲، ۲۴).

راغب در مفردات می‌نویسد: «السبّ الشتم الفجیع یعنی سبّ دشنام دردناک و سخت است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۸، ۲۱۷).

۱-۲- مفهوم اصطلاحی سبّ

واژه سبّ دو بار در قرآن به صراحت ذکر شده است و در احادیث نیز به صورت متواتر از کتب اهل سنت و تشیع بیان شده است. چنان‌که شیخ انصاری در کتاب مکاسب محرمة پیرامون سبّ و هجا و غیبت جداگانه به بحث پرداخته است. (انصاری، ۱۲۷۰، ۷۲) در اصطلاح سبّ (به فتح اول و تشدید ثانی) در فقه از جرائم ضد شرف است و عبارت است از ناسزا گفتن و اخص از توهین است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷، ۳۵۲).

با دقت در معنی لغوی و عرفی سبّ، این نکته به دست می‌آید، که در صورتی سبّ مصداق می‌یابد که توهین‌آور باشد؛ یعنی باعث کسر

سبّ الله تعالی قتلت لانه حق الله تعالی» (ابن عابدین، بی تا، ج ۴، ۴۷۷). سبّ خداوند حکمش قتل است ولی اگر توبه نماید پذیرفته می‌شود چون حق الله است.

در حاشیه الخرشى آمده است: «وسبّ الله كذا لك»؛ یعنی سبّ خداوند، مانند سبّ پیامبر (ص) است و صراحت سبّ خداوند، مانند صراحت سبّ پیامبر (ص) است. و آن چه در خصوص قتل و توبه سبّ النبي گفته می‌شود، در این جا نیز جاری است (الخرشى، بی تا، ۲۷۶).

صاحب کتاب الصارم المسلول در فصل فی سبّ الله تعالی می‌گوید: «فان كان مسلماً و جب قتله با لاجماع لانه بذالك كافر مرتد...» ایشان در خصوص مسلمان، ادعای اجماع می‌نماید و می‌گوید «وی کافر و مرتد می‌گردد» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ۱۱۷).

۲-۳- حکم سبّ الله از دیدگاه مالکی

صاحب الکافی معتقد است: «هر کس به خداوند ناسزا بگوید، اگر مسلمان باشد، بدون توبه و اگر ذمی باشد، در صورتی که مسلمان نشود، کشته می‌شود» (ابن عبدالبرفری، بی تا، ۵۸۴).

صاحب الذخیره می‌گوید: «الخامسه. قال مالك من سبّ الله او النبي (ص)... من المسلمین قتل و لم یستب» (القرآنی، بی تا، ج ۱۳، ۱۸).

۲-۴- حکم سبّ الله از دیدگاه حنبلی

در شرح زرکشی آمده است: «و اما فیمن سبّ الله سبحانه فالقیاس علی سبّ رسول الله (ص) به طریق اولی» سبّ الله نیز به قتل می‌رسد (زرکشی المصری حنبلی، بی تا، ج ۶، ۳۱۹).

در الروض المربع پس از بیان سبّ الله می‌گوید: «لا تقبل فی الدنيا توبه سبّ الله او

شأن و تحقیر محسوب شود و اهانت او را در پی آورد؛ لذا برخی در تعریف فحش آورده‌اند: «به هر کلام زشت و رکیک و مستهجن و قبیح گفته می‌شود، که برای تحقیر و تضعیف به کار برده شود» (پاد، ۱۳۴۷، ۳۷۲).

سیره نبی مکرم اسلام (صلی الله و علیه و آله و سلم) و معصومین (علیهم السلام) نشان‌گر آن است که در نظر آنان؛ سبّ و شتم و ناسزاگویی، کار زشت و مذموم و خلق و خوی جاهلی شناخته شده و نشان می‌دهد، که این بزرگواران در طول زندگی و سیره پر بارشان، به اصلاح فرد و جامعه در همه ابعاد به خصوص از این حیث پرداخته‌اند (مکارم شیرازی و همکاران، ج ۵، ۱۳۷۴، ۳۹۵).

۲- حکم سبّ الله

۲-۱- حکم سبّ الله از دیدگاه شافعی

ابن منذر از علمای معروف فرموده: «اهل علم، اجماع نموده در این که حد دشنام دهنده بر خدا و پیامبر کشتن است؛ زیرا دشنام دهنده کافر است. عقیده رییس مذهب شافعی نیز همین است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ۶۰).

۲-۲- حکم سبّ الله از دیدگاه حنفی

حنفی‌ها، انکار ضروری دین، مانند حج و روزه و هم‌چنین سجده بر بت و یا انداختن قرآن در کثافات و انکار پیامبران الهی یا آیه‌ای از قرآن و سبّ دین اسلام را موجب ثبوت ارتداد می‌دانند (جزیری، ۱۴۱۹، ۲۰۲).

در الذخیره آمده است که: «هر کس خداوند را سبّ نماید از مسلمین اگر باشد، باید کشته شود و توبه‌اش مقبول نیست. ولی اگر از اهل یهود و نصارا باشد از اهل ذمه خارج می‌شود و کشته می‌شود» (علیان امینی، ۱۴۲۹، ۲۰۵).

در کتاب حاشیه ردالمختار آمده است: «و لو

سابّ الرسول...» توبه ساب الله و سابّ النبی پذیرفته نمی‌شود (منصور ابن یونس البحرینی الحنبلی، بی تا، ۵۶۲).

۲-۵- حکم سابّ الله از دیدگاه امامیه

بر اساس آنچه در فقه شیعه آمده، متعلق سبّ ممکن است مؤمن یا غیرمؤمن، پیامبر (ص) یا سایر معصومین (ع) باشد. این مسئله از دو زاویه مورد بحث قرار گرفته است. ابتدا از نظر حکم شرعی آن که در کتاب مکاسب محرّمه آمده است، سپس در کتاب قذف به مجازات و کیفر پرداخته‌اند.

بر طبق احکام مراجع تقلید، هرگاه شخصی اقدام به سبّ پیامبر، یا یکی از ائمه نماید، بر شنونده‌اش واجب است او را به قتل برساند و این اقدام به اذن امام یا نایب او متوقف نیست، مگر آن که خطر جانی، مالی، عرضی یا ضرر به جان و مال مؤمنی یا عرض و آبرو او وجود داشته باشد. این امر در قوانین موضوعه نیز دیده شده است. بر اساس ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شخص می‌تواند مهدورالدم را به قتل برساند و اگر ادعای خود را مبنی بر مهدورالدم بودن مقتول به اثبات برساند، نه قصاص می‌شود و نه دیه از او اخذ می‌گردد. از دیگر سو، با تشکیل حکومت اسلامی و برای جلوگیری از هرج و مرج از یک طرف، و رعایت اصل برائت افراد (اصل سی و ششم قانون اساسی^۱) و اثبات جرم افراد در دادگاه صالحه (اصل سی و هفتم قانون اساسی^۲)، دیگر نمی‌توان فرد مهدورالدم از جمله سابّ الله را بدون اذن حاکم به قتل رسانید.

۱- حکم به مجازات و اجرا آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

۲- اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

۲-۶- حکم سابّ الله از دیدگاه حقوق ایران
ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ مقرر می‌دارد: «هر کس به مقدسات اسلام... اهانت نماید اگر مشمول حکم سابّ النبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.»

مطابق ماده ۲۶ قانون مطبوعات ۱۳۶۴: «هر کس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.»

۳- حکم سابّ النبی

شیخ الاسلام ابن تیمیه، در مقدمه کتاب خود به نام «رَفْعُ الملام عن الائمة الاعلام» می‌نویسد: «همان‌گونه که قرآن بیان داشته، بر مسلمانان واجب است که در دل محبت و ولای خداوند متعال، رسول گرامی، مؤمنان و به ویژه مؤمنان عالمی، که به عنوان وارثان انبیا به شمار می‌آیند، داشته باشند.» (قراضوی، ۱۳۸۴، ۳۹۲).

لذا یکی از قوانین مسلم فقه مذاهب اسلامی، لزوم مجازات کسی است که ناسزا و کلمات زشت و اهانت آمیز نسبت به خاتم انبیاء، حضرت محمد (ص) بگوید، کسی که بی‌مهابا، پاک‌ترین و مهربان‌ترین و دلسوزترین مصلح تاریخ، که تمام هستی‌اش وقف خدمت و ارشاد به بشریت کرده بود، به باد استهزاء و اهانت بگیرد و با در هم شکستن شخصیت زیباترین الگوی انسانیت، جامعه بشریت را محروم از راهبر نماید، پاداشی جز مرگ نخواهد داشت. بنابراین، قتل توهین‌کننده به پیامبر مورد اتفاق علمای مذاهب خمس می‌باشد، فقط در خصوص کیفیت قتل و

پس توهین کننده به طریق اولی است و با حدی که برای او تعیین شده است، کشته می شود و توبه در صرف نظر کردن از اعدام وی، کارآمد و مؤثر نیست.»

قال ابوحنفیه و اصحابه: «من سبّ النبی (ص) او عابه و کان مسلماً فقد صار مرتداً و ان کان ذمياً عذر و لم یقتل؛ هر کس که به پیامبر اکرم (ص) دشنام دهد، و یا از آن حضرت عیب جوئی کند و مسلمان هم باشد، مرتد می شود و مجازات مرتد که اعدام است، درباره او اجرا می گردد و اگر ذمی باشد، تعزیر می شود» (علم الهدی، ۱۹۷۱، ۲۳۴).

در کتاب نصب الرایه آمده است: «و لنا أن سبّ النبی کفره و موجب القتل؛ سبّ پیامبر (ص) باعث کفر است و موجب قتل» (زینلی، ۱۳۶۹، ج ۴، ۳۴۱).

۳-۳- حکم ساب النبی از دیدگاه فقهای مالکی

مالک گفته است: «هر مسلمانی که خداوند و پیامبر را سب نماید، کشته می شود و توبه داده نمی گردد و هم چنین کسی که پیامبر را عیب نماید» (ابن ادریس، بی تا، ۱۲).

۳-۴- حکم ساب النبی از دیدگاه فقهای حنبلی

ابن قدامه مقدس حنبلی، در کتاب الکافی و المقنع بیان می دارد: من سبّ الله او رسول (ص) کفر و ارتد عن الاسلام... «کسی که خداوند و رسول خدا (ص) ناسزا گوید، کافر شده است...» (احمد بن حنبل، ۱۳۹۸، ۴۹۹).

در الروض المربع شرح الزاد المستریع آمده است: «در دنیا توبه کسی که به خداوند و رسولش (ص) صراحتاً ناسزا بگوید قبول نمی شود، بلکه به

شخص سبّ که مسلمان باشد یا کافر یا ذمی، مرد باشد یا زن، اختلاف نظر وجود دارد، که به تبیین آن ها می پردازیم:

۱-۳- حکم سابّ النبی از دیدگاه شافعی

علمای مذهب شافعی معتقدند: «سبّ پیامبر موجب ارتداد است که به عنوان قطع رابطه با اسلام تعریف شده است. این قطع رابطه می تواند نیت یا سخن کفرآمیز و یا عمل سوء باشد و همه این موارد ممکن است از روی استهزاء یا دشمنی یا عناد یا به لحاظ اعتقادی صورت گیرد و غیره.» رافعی، موجبات مرتد را بر شمرده: «اگر پیامبری از پیامبران را دشنام دهد، یا آن را تحقیر کند» (جمال عبدالناصر، بی تا، ۳۵۲).

ذمی (غیر مسلمان در تحت حمایت اسلام) اگر به پیامبر دشنام دهد و از عهد و پیمان روی گردان شود، کشته می گردد (جمال عبدالناصر، بی تا، ۳۵۲).

در کتاب فتح الباری آمده است که: «ابوبکر فارسی که یکی از ائمه شافعی است، در کتابش اجماع نموده است و ابن المنذور نیز گفته است: اتفاق است کسی که صریحاً سبّ پیامبر اکرم (ص) نماید، قتلش واجب است، و خطایی گفته است که وقتی سابّ النبی مسلمان باشد در حکم قتل وی، اختلافی نیست» (عسقلانی، ۱۳۲۵، ۲۳۶).

۲-۳- حکم سابّ النبی از دیدگاه فقهای حنفی

در کتاب شرح فتح القدر آمده است که: «کلّ من ابغض رسول الله (ص) بقلبه کان مرتداً فالسابّ بطریق اولی، ثمّ یقتل حدّاً عندنا، فلا تعمل نوبته فی اسقاط القتل؛ هر کس از صمیم قلب به پیامبر کینه و دشمنی ورزد، مرتد است،

هر حال کشته می‌شود.» (البحرینی الحنبلی، بی تا، ۵۶۲).

۵-۳- حکم سبّ النبی از دیدگاه امامیه

در خصوص حکم فرد توهین کننده به پیامبر (ص) باید گفت:

برخی فقها، سبّ النبی را، موجب ثبوت ارتداد می‌دانند و حکم به قتل او را از باب ارتداد می‌دانند و صاحب الریاض به همین مطلب اشاره کرده و آورده است که: «ابن زهره در غنیه نسبت به این مطلب ادعای اجماع کرده است» (طباطبایی، ۱۴۱۲، ۱۲۸).

از جمله کتبی که مفصل به بحث سبّ النبی پرداخته است، کتاب «الانتصار» است. در این کتاب چنین نوشته شده است: «کسی که رسول خدا را دشنام دهد، یا این که در صدد خراب کردن وی برآید، مسلمان باشد یا غیر مسلمان، باید در جا کشته شود. گروهی از فقها با آن مخالفت کردند. ابوحنیفه و یارانش گفته‌اند:... غیر مسلمان را باید مجازات کرد و او را نکشت» (علم الهدی، ۱۹۷۱، ۲۳۵).

در قواعد الاحکام بیان شده است که: «دشنام دهنده به پیامبر یا یکی از ائمه کشته می‌شود، و این کار برای هر کسی که آن کلام را از او شنیده مباح می‌گردد، بدون هیچ تخفیف و کم و کاست و اگر از ضرر رسیدن به خودش یا برای گروهی از مسلمین در زمان کنونی و یا آینده بیم‌ناک شود، پس فی الحال نباید آن را انجام دهد» (حلی، بی تا، ۲۶۲).

۶-۳- حکم سبّ النبی از دیدگاه حقوق ایران

ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «هر کس پیامبر اعظم صلی الله علیه

و آله و سلم... را دشنام دهد یا قذف کند سبّ النبی است و به اعدام محکوم می‌شود.» حکم ماده با ذکر عبارت «هر کس» شامل تمامی افراد اعم از ایرانی یا بیگانه، مسلمان یا غیر مسلمان می‌گردد. ضابطه تشخیص اهانت با توجه به عرف جامعه در هر زمان و هر مکانی متغیر است و نهایتاً دادگاه رفتار مرتکب جرم را مشخص می‌کند. از معمولی‌ترین مصادیق اهانت به مقدسات مذهبی، رفتارهایی چون فحاشی، اسناد اعمال خلاف عفت و اخلاق حسنه به مقامات معصوم مذکور، انکار رسالت انبیاء عظام اعم از شفاهی یا کتبی تخریب مقابر متبرکه به قصد توهین به شخص متوفی و مدفون که تماماً به صورت فعل مثبت مادی است. ولی توهین با ترک فعل نیز ممکن است انجام شود مانند ترک ادب عمدی در جایی که لازم الرعایه است به قصد اهانت به مقدسات مذهبی (گلدوزیان، ۱۳۸۸، ۶۱۲). در مقابل برخی معتقدند که توهین با ترک فعل به سبب عدم امکان سوء نیت ثابت نمی‌شود مانند خودداری از فرستادن صلوات (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ۴۴۷).

عنصر روانی لازم برای تحقق این جرم، عمد در توهین و علم بر موهن بودن رفتار می‌باشد لیکن سوء نیت خاص لازم نیست (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ۴۴۹).

همچنین طبق ماده ۲۶۳ قانون مذکور: «هر گاه متهم به سب، ادعاء نماید که اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهو یا در حالت مستی یا غضب یا سبق لسان یا بدون توجه به معانی کلمات و یا نقل قول از دیگری بوده است سبّ النبی محسوب نمی‌شود.» ظاهر بر این است که صرف ادعا موجب عدم ثبوت جرم سبّ النبی محسوب می‌گردد و نیازی به اثبات و آوردن

۲-۴- حکم سب سایر انبیاء از دیدگاه امامیه
در کتاب الکافی فی الفقه آمده است: «و من سب رسول الله او احد من الائمه من آله او بعض النبیاء فعلی السلطان علی قتله. هر کسی که رسول خدا و یا یکی از امام از اهل بیتش یا بعضی از انبیاء را سب نماید حکمش کشته شدن است» (علیان امینی، ۱۴۲۹، ۲۰۳).

آیت الله گلپایگانی، ضمن بیان مطالب مندرج در مسالک، ریاض و ادعای اجماع در غنیه، که همه قائل به قتل سب سایر انبیاء می‌باشند و ذکر روایتی که خلاف این قول قائل است که می‌فرماید: «غیر از پیامبر اکرم (ص) سایر انبیاء را، اگر کسی سب نماید، تازیانه می‌خورد، می‌فرماید: «فان من المعلوم ان العمل کان علی الاول و هذا متروک لم یعمل به» آن چه معلوم است عمل به قول اول است. الحاق سایر انبیا به پیامبر اکرم (ص) و اعتقاد به تازیانه متروک و به آن عمل نمی‌شود» (گلپایگانی، بی تا، ۲۵۷).

۳-۴- حکم سب سایر انبیاء از دیدگاه حقوق ایران

ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «هر کس... هر یک از انبیاء عظام الهی را دشنام دهد یا قذف کند سب النبی است و به اعدام محکوم می‌شود.» همچنین طبق ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات ۱۳۷۵: «هر کس به... هر یک از انبیای عظام... اهانت نماید اگر مشمول حکم سب النبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.» منظور قانون گذار از عبارت «انبیاء عظام» پیامبرانی هستند که نام حدود یک صد نفر از آنان در قرآن مجید و روایات معتبر ذکر گردیده و پنج نفر از آنان از لحاظ رسالت بالاترند

دلیل نبوده و دادگاه نیز الزامی به تحقیق ندارد که آیا ادعای وی صحت دارد یا نه. همچنین در این حد نیز همانند سایر حدود، هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری در زمان ارتکاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود ادعای او پذیرفته می‌شود (بخشی زاده اهری، ۱۳۹۲، ۲۰۳).

۴- حکم سب سایر انبیاء

۱-۴- حکم سب سایر انبیاء از دیدگاه فقهای مذاهب اربعه

آن چه از تتبع و تحقیق و پژوهش در اقوال و فتاوی مذاهب اربعه به دست می‌آید، این است که خیلی به بحث در رابطه به مجازات سب سایر انبیاء الهی نپرداخته‌اند. بنابراین، فقط به چند روایت در این زمینه اشاره می‌کنیم:

رافعی دشنام دادن یا تحقیر کردن پیامبری از پیامبران را موجب ارتداد فرد می‌داند و در فقه المنهجه نیز همین سخن آمده و می‌نویسد: هر که به دین خدا، یا یکی از انبیاء توهین کند، مرتد است (علیان امینی، ۱۴۲۹، ۲۱۱).

این تیمیه بیان می‌دارد: «و الحکم فی سب سایر الانبیا کالحکم فی سب نبینا (ع)؛ حکم کسی که ناسزا به سایر پیامبران (ع) بگوید، مانند حکم سب پیامبر است. پس اگر شخصی، احدی از پیامبران مذکور در قرآن یا آنان که موصوف به نبوت هستند، با علم به این که پیامبر می‌باشند، سب نماید، حکم سب به پیامبر اکرم (ص) را دارد. چون ایمان به آنان به صورت عموم واجب است و سب آن‌ها کفر و ارتداد است» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ۱۰۴۸).

که عبارتند از: حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی و حضرت محمد (ص) (پیمانی، ۱۳۸۲، ۷۹). در مورد «انبیاء عظام» نباید تصور نمود که منظور از آن، با توجه به استفاده از صفت «عظام» در ماده، تنها پیامبران بزرگ، مثلاً انبیاء اولوالعزم می‌باشند. بلکه در این جا واژه «عظام» از حیث تعظیم و بزرگ داشت به کار رفته است. بنابراین توهین به هر یک از شخصیت‌هایی که از لحاظ اعتقادات اسلامی جزء پیامبران شناخته شده الهی می‌باشند، مشمول ماده قرار می‌گیرد و از این لحاظ، تفاوتی بین حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی و حضرت محمد (ص) و سایر انبیاء (ع) وجود ندارد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ۱۸۰).

۵- حکم سبّ حضرت فاطمه زهرا (س)

۵-۱- حکم سبّ حضرت فاطمه زهرا (س)

از دیدگاه مذاهب خمسسه

در خصوص سبّ المقدّسات، برخی سبّ مادر پیامبر و نزدیکان وی را اگر به سبّ النبی ملحق شود یعنی به شرط آن که سبّ به پیامبر باز گردد، مستوجب مرگ دانسته، چنان که شهید ثانی در التحرییر گفته است که: «حکم توهین به مادر و دختر نبی (ص) مخصوصاً فاطمه (ع) که نگاه داشتن حق قدر و ارزش وی تصریح شده نیز چنین است. و در تمام متون برای دشنام دادن فرقی بین مسلمان و کافر و غیر مسلمان نیست» (علیان امینی، ۱۴۲۹، ۲۰۰).

در جواهر قذف نسبت به مادر پیامبر به اعتبار این که قذارت و نجاست جاهلیت او را آلوده نکرده است، حکم قذف پیامبر را دارد و در لمعه آمده است که: «قذف کننده مادر

پیامبر (ص)، مرتد محسوب شده و حکم ارتداد دارد، البته فرقی که دارد این است، که قاذف پیامبر توبه‌اش پذیرفته می‌شود ولی سبّ النبی، توبه‌اش پذیرفته نیست» (العاملی، ۱۴۰۱، ۲۵۹).

۲-۵- حکم سبّ حضرت فاطمه زهرا (س) از دیدگاه حقوق ایران

تبصره ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «قذف... حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها یا دشنام به ایشان در حکم سب نبی است.» همچنین طبق ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات ۱۳۷۵: «هر کس به... حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید اگر مشمول حکم سب نبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.»

اگر چه قذف یا توهین به حضرت فاطمه زهرا (س) فی نفسه سب نبی نیست لیکن از نظر منزلت ایشان، قذف یا دشنام به ایشان نیز مجازات سب نبی را خواهد داشت (بخشی زاده اهری، ۱۳۹۲، ۲۰۲).

۶- حکم سبب الاثمه

۱-۶- حکم سبب الاثمه از دیدگاه مذاهب اربعه

فقه‌های مذاهب اربعه در رابطه با توهین به ائمه بحثی نکرده‌اند. چون این مذاهب معتقد به پیروی از امامان چهارده معصوم نیستند، و با تحقیق و پژوهش در روایت‌ها و فتاوی مذاهب اربعه نتیجه گرفتیم، که غیر از سبّ خداوند و پیامبر اکرم (ص) و انبیاء (ع) و ملائکه و قذف مادر پیامبر (ص) قائل به قتل نسبت به دیگران مثل سبّ الاثمه نیستند و فقط به ذکر صحابه پرداخته‌اند، که یکی از این صحابه، حضرت علی (ع) که یکی از امامان شیعیان می‌باشد، اشاره دارند. برای اهل

السلام... یا دشنام به ایشان در حکم سب نبی است.» همچنین طبق ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات ۱۳۷۵: «هر کس به... هر یک از... ائمه طاهرین (ع)... اهانت نماید اگر مشمول حکم سب النبى باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.»

۷- حکم سبّ الصحابه

۷-۱- حکم سبّ الصحابه از دیدگاه مذاهب اربعه

در کتاب «دیدگاه اهل سنت در مورد اصحاب» نوشته شده است که: «هیچ شکی نیست که کسی که کفر یا فسق را به برخی یا تمام اصحاب نسبت دهد، کافر می‌شود و کشته می‌شود» (الوهیبه، بی تا، ۴۸).

امام محمد بن عبدالوهاب درباره کسانی که سبّ اصحاب را جایز دانسته‌اند چنین می‌گوید: «هرکس بعضی از اصحاب را که فضیلت و کمالات آنان به حد تواتر رسیده است، مانند خلفای راشدین، مستحق سبّ و دشنام بداند، کافر می‌شود، چون چیزی را تکذیب کرده است، که از پیامبر (ص) به طور قطع ثابت شده است، و تکذیب کنندگان آنان کافر می‌شوند، و اگر آنان را دشنام دهد، منتها معتقد نباشد که سبّ و دشنام آنان حق و مباح می‌باشد، فاسق خواهد گشت، چون سبّ و دشنام دادن مسلمان موجب فسق است، ولی برخی از علما می‌گویند که، هر کس شیخین را دشنام دهد، بدون هر شرطی کافر می‌شود» (الوهیبه، بی تا، ۶۲).

۷-۲- حکم سبّ الصحابه از دیدگاه امامیه

فقه‌های شیعی به عدالت همه صحابه ایمان ندارند، همه آن‌ها را مورد احترام نمی‌شمارند، و برای نظر خود دلایلی را ذکر کرده‌اند: همه

سبّ و قذف ائمه معصومین و حضرت زهرا (ع) و افراد عادی یکسان است.

۲-۶- حکم سبّ ائمه از دیدگاه امامیه

فقه‌های امامیه حکم توهین به اهل بیت پیامبر و ائمه را چه به پیامبر بازگردد، و چه توهین به رسول اکرم بر نگردد، را یکسان گرفته‌اند؛ زیرا اهل بیت را ستوده شده به پاکی به وسیله قرآن می‌دانند و به صراحت به عدم لزوم اجازه امام در مورد کشتن دشنام دهنده معتقدند: «از دیدگاه فقه‌های شیعه، جرم توهین به مقدسات آن گاه محقق می‌شود که پیامبر یا یکی از معصومین مورد اهانت و استهزاء قرار گیرد. بسیاری از فقها در توهین به مقدسات، حضرت زهرا (س) را نیز ملحق به معصومین نموده‌اند (هاشمی، ۵۸، ۱۳۸۰).

شیخ مفید می‌گوید: «هر گاه کسی پیامبر اسلام (ص) یا یکی از ائمه را مورد دشنام دهد، مرتد و خون او هدر است و متصدی اجرای حکم امام مسلمانان است» (مفید، ۷۴۳، ۱۴۱۷).

در کتاب مجمع المسائل در سوال و پاسخی آمده است: «کسی که توهین و هتاک نسبت به ائمه (ع) یا یکی از امامان در حال غیظ اما نه غیظی که مزیل عقل و هوش باشد نماید، آیا فقط عاصی شده یا مرتد هم می‌شود و آیا واجب القتل است یا خیر؟

ناسزا به ائمه (ع) حکم ناسزای به رسول خدا (ص) را دارد و ناسزا گفتن به آن مقام موجب کفر و ارتداد است و کشتن گوینده ناسزا واجب است» (گلپایگانی، بی تا، ۲۰).

۳-۶- حکم سبّ ائمه از دیدگاه حقوق ایران

تبصره ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «قذف هر یک از ائمه معصومین علیهم

صحابه از جهت علمی و آگاهی به دستورات دینی در حدی نبوده‌اند، که بتوانند اجتهاد کنند و بسیاری از اعمال ناشایستی که عده‌ای از صحابه مرتکب شده‌اند، نه از روی اجتهاد، بلکه به جهت پیروی از هوای نفس بوده است. اجتهاد مربوط به زمانی است، که حکم مسأله روشن نباشد، و نصی از کتاب و سنت در خصوص آن مورد نداشته باشیم؛ اما موردی که مسأله روشن است و در کتاب و سنت به طور صریح حکم مسأله بیان شده باشد، دیگر نیازی به اجتهاد نیست. بسیاری از تخلفات عده‌ای از صحابه از این مورد است مانند عایشه که علی‌رغم، نص صریح قرآن و سنت نماز، را در سفر کامل و تمام می‌خواند و اهل سنت در جواب ما می‌گویند او اجتهاد کرده است (شرف الدین، ۲۵، ۱۳۹۶).

نتیجه گیری

توهین به مقدسات در کلیه مذاهب اسلامی از شناخت شدیدی برخوردار است به طوری که کلیه کسانی که مرتکب توهین به مقدسات اعم از امامیه و عامه می‌گردند نه تنها از منظر حکومت بلکه از دیدگاه عموم نیز مورد نفرت و انزجار قرار می‌گیرند. چه این که مقدسات نه تنها در دین مقدس اسلام بلکه در کلیه ادیان الهی مظهر پاکی و رستگاری بوده و توهین به آنها چنانچه کمترین واکنش و پیامد داشته باشد حداقل مورد انزجار عامه مردم واقع شدن فرد توهین کننده بوده و حسب میزان تأثیرگذاری و شدت و حدت گفتار، نوشتار و عمل توهین آمیز مجازات مرگ را در پی خواهد داشت که نمونه بارز آن در عصر کنونی را می‌توان توهین سلمان رشدی لعنت الله علیه به ساحت مقدس قرآن کریم بیان نمود.

ملاک شناسایی مفهوم سب عرف است؛ یعنی هرچه عرف سب بداند از نظر شرع نیز سب خواهد بود. در علم فقه به تبیین حکم تکلیفی عمل اهانت به مقدسات، یا سب و احیاناً مجازات سب کننده پرداخته می‌شود.

جرم توهین به مقدسات، از جمله جرایم عمدی است و مراد از عمدی بودن آن علم و آگاهی مرتکب به وهن آور بودن کردار، رفتار، گفتار و نوشتاری که به حیثیت و شرافت طرف جرم لطمه وارد می‌کند، علاوه بر این علم و آگاهی، عمد و قصد مرتکب به منظور هتک حیثیت و شرافت و حرمت طرف جرم لازم می‌باشد، بنابراین، شخصی که اعمال توهین آمیز و وهن آور از او سر می‌زند باید ضامن دارا بودن قصد لطمه زدن به حیثیت و آبروی دیگری عالم به موهن بودن عمل خود و مقدس بودن طرف توهین باشد. به طور کلی عنصر روانی این جرم مرکب از دو شرط می‌باشد: اول، علم و دانش مرتکب به مقدسات و علم به توهین آمیز بودن عمل. دوم، قصد مرتکب برای از بین بردن حیثیت، شرافت و حرمت طرف جرم.

منابع

فارسی

- احمدی کنگانی، موسی، ۱۳۸۳، پژوهشی پیرامون مجازات توهین کننده، به پیامبر (ص) و امامان (ع) از دیدگاه قرآن، سنت و فقههای پنج‌گانه، چاپ اول، قم، انتشارات عالمه.
- بخشی زاده اهری، امین، ۱۳۹۲، محشای قانون مجازات اسلامی از منظر دکترین و طراحان سوال، چاپ دوم، تهران، انتشارات عصراندیشه.
- پاد، ابراهیم، ۱۳۴۷، حقوق کیفری اختصاصی،

تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

العالمی، بیروت، چاپ دار الفکر.

- پیمانی، ضیاء الدین، ۱۳۸۲، حقوق کیفری اختصاصی سه، (جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی)، چاپ ششم، تهران، انتشارات میزان.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۷، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۲، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۸، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، چاپ یازدهم، انتشارات مجد.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- میرمحمدصادقی، حسین، ۱۳۹۲، حقوق کیفری اختصاصی سه، (جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی)، ویراست دوم، چاپ بیست و سوم، تهران، انتشارات میزان.
- هاشمی، سید حسین، ۱۳۸۰، جرم اهانت به مقدسات در نظام حقوقی اسلام و کامن لا، مجله رواق اندیشه، شماره ۲ مرداد و شهریور.
- عربی**
- ابن تیمیة الحرانی، احمد بن عبدالحلیم، ۱۴۰۶ ه.ق، منهاج السنة النبویة، تحقیق محمد رشاد سالم، بی جا، دارالنشر: مؤسسه قرطبه.
- ابن عابدین، بی تا، حاشیه الرد علی المختار، شرح تنویر الاخبار فی فقه الخنیف، بیروت، دارالفکر.
- ابن عبدالبرفری، ابی عمر یوسف ابن عبدالله ابن محمد، بی تا، الکافی فی فقه اهل المدینه
- الجزیری، عبدالرحمن و دیگران، ۱۴۱۹ ه.ق، الفقه علی مذاهب الاربعه و مذهب اهل البیت، بیروت، دارالثقلین.
- القرآنی، شهاب الدین احمد ابن ادیس، بی تا، الذخیره، بی جا، چاپ دار القرب اسلامی.
- انصاری، شیخ مرتضی، ۱۲۷۰ ه.ق، المکاسب، قم، دارالحکمه.
- الوهیبی، محمد بن عبدالله، بی تا، دیدگاه اهل سنت در مورد اصحاب، مترجم اسحاق بن عبدالله دبیری العوضی، معاونت مطبوعات و پژوهش های علمی وزارت شئون اسلامی و اوقاف و دعوت و ارشاد عربستان سعودی.
- جمال، عبدالناصر، بی تا، موسوعه فی فقه الاسلامی، بی جا، بی نا.
- الحر العاملی، شیخ محمد بن الحسن، ۱۴۰۱ ه.ق، وسایل الشیعه، تهران، انتشارات مکتبه الاسلامیه.
- الخرشی، محمد ابن عبدالله ابن علی، بی تا، حاشیه الخرشی، بی جا، بی نا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۸ ه.ق، معجم مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- زرکشی المصری حنبلی، شمس الدین محمد ابن عبدالله، بی تا، شرح زرکشی، چاپ بیروت، بی نا.
- زینلی، جمال الدین، ۱۳۶۹ ه.ق، نصب الرایه الاحادیث الهدایه، بی جا، بی نا.

- شرف الدین، سید عبدالحسین، ۱۳۹۶.ق،
اجتهاد در برابر نص، ترجمه علی دوانی، ناشر
کتابخانه بزرگ اسلامی.

- عسقلانی، شهاب الدین احمد بن علی بن حجر،
۱۳۲۵، تهذیب التهذیب، حیدر آباد، بی نا.

- علامه حلی، ابن ادريس، بی تا، قواعد الاحکام،
قم، موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین قم.

علم الهدی، سید مرتضی، ۱۹۷۱م، الانتصار،
النجف الاشرف، منشورات مطبعه الحیدریه.

- علیان امینی، حسین، ۱۴۲۹.ق، موسوعه
احکام المرتد فی الشریعه الاسلامیه، مرکز العلوم
والثقافه الاسلامیه.

قرضاوی، یوسف، ۱۳۸۴، دیدگاه‌های فقهی
معاصر، ترجمه: احمد نعمتی، بی جا، نشر احسان.

- مفید، محمد، ۱۴۱۷.ق، المقنعه، قم، موسسه
النشر اسلامی.

- منصور ابن یونس البحرینی الحنبلی، بی تا،
الروض المربع شرح زاد المستضع، بیروت، دار
الجيل.

- گلیپاگانی، سید محمدرضا، بی تا، الدر المنضود،
تقریرات، قم، چاپخانه علمیه قم.

قوانین

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

- قانون تعزیرات ۱۳۷۵

- قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

- قانون مطبوعات ۱۳۶۴